

کتاب «مدیریت آب» حاصل ده سال تلاش تیم باانگیزه و خستگی ناپذیری است که کوشیده با مطالعه علمی مولفه‌های مدیریت منابع و مصارف آب از ضرورت اتخاذ رویکردهای نو و توجه به مباحث جدید در مدیریت آب کشور بگوید.

**مؤلفین:** دکتر کامران داوری، امیر اسلامی، حمید عمرانیان خراسانی، هاشم درخشان و محمد سالاریان

**انتشارات:** جهاد دانشگاهی مشهد

**تعداد صفحات:** ۵۸۰ صفحه



اصولی سنجش و داده در مدیریت تاکید شود. در حقیقت برای مدیریت یکپارچه آب، نظام پایش و ارزیابی نقشی حیاتی دارد؛ و برای اخذ تصمیمات صحیح در سطوح مختلف مدیریت یکپارچه، داده‌های اندازه‌گیری شده نه تنها بایستی موثق و کافی باشند، بلکه باید متناسب با نیازهای سطوح مدیریتی گوناگون سنجش و گردآوری شوند.

در شرایط کنونی ضروری است تا مدیران آب تلاش کنند با افزایش کارآمدی نظام ارزیابی، صحت و دقت تصمیمات خویش را ارتقاء دهند؛ تا بتوانند پیامدهای «محیط زیستی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» ناشی از سناریوهای مختلف تخصیص آب را قبل از تصمیم‌گیری، با پیش‌نگری و دوراندیشی برآورد کنند.

در این راستا و برای تضمین پایایی به رسمیت شناخته شدن (۱) حقایق اکوسیستم از آب تجدیدپذیر؛ (۲) عدم قطعیت در برآوردهای آینده (تغییر اقلیم، تحولات اقتصادی، و رشد جمعیت) و پایبندی به سه اصل: (۱) توسعه عمودی کشاورزی و افزایش بهره‌وری این بخش؛ (۲) مدیریت جامع تقاضای آب با توجه به نقش مردم؛ و (۳) تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی، و تبعیت بدون استثناء تمامی سیاست‌های مرتبط از آن؛ ضروری است.

کتاب «مدیریت آب (منابع و کاربردها)» در ۱۵ فصل زیر گستره وسیع «مولفه‌های مدیریت منابع-مصارف آب» را مورد بررسی دقیق قرار داده و راهکارهای نو را عرضه می‌کند.

- ۱- کلیات مدیریت آب، ۲- حقوق و قواعد آب، ۳- تاریخ مدیریت آب ایران، ۴- آب مجازی و ردپای آب، ۵- بهره‌وری آب کشاورزی، ۶- مالکیت، تبادل و بازار آب، ۷- مدیریت تقاضا، ۸- تجدیدپذیری و بیلان، ۹- تخصیص آب، ۱۰- داده، پایش و ارزیابی، ۱۱- تصمیم‌گیری، ریسک و توسعه‌ی پایا، ۱۲- حکمرانی آب و مدیریت یکپارچه، ۱۳- مدیریت آب زیرزمینی و خشکسالی، ۱۴- مدیریت راهبردی-مشارکتی آب و ۱۵- نگرش سیستمی.

در این کتاب آمده است که سیستم منابع-مصارف آب از زیرسیستم‌های متعددی تشکیل شده، که با یکدیگر تعاملات و بازخورهای درهم تنیده و پویایی دارند. در واقع باید پذیرفت که گسترده شدن دخالت انسان در یک قرن اخیر، اثرات منفی بر منابع آب داشته و پایایی این سیستم‌ها را دچار مخاطره کرده است. به گونه‌ای که برهم‌کنش امروزی بین جوامع بشری و چرخه هیدرولوژی، در گذشته هرگز مشاهده نشده است. اکنون شدت تأثیر متقابل میان سیستم‌های انسانی و طبیعی نشان می‌دهد که فعالیت‌های انسان‌محور منجر به پیوستگی قوی میان این دو سیستم شده است. لذا، اثرات مثبت و منفی تصمیم‌گیری‌های مدیریتی برای توسعه‌های اجتماعی-اقتصادی، مستقیماً بر سیستم‌های طبیعی بازتاب می‌یابند. این واکنش‌های متقابل، به نوبه خود بازخورهایی را منعکس می‌کنند و روابطی درهم‌تنیده و چندبُعدی میان این دو سیستم (و زیرسیستم‌ها) در مقیاس‌های مکانی و زمانی گوناگون ایجاد می‌گردد.

مدیریت آب برای حفظ پایایی سیستم منابع-مصارف آب (و یا بازیابی پایایی آن)، نیازمند شناسایی زود هنگام این پیشراندها و نشان دادن واکنش به موقع و متناسب نسبت به آن‌ها است. چنین واکنشی با تدوین هوشمندانه قواعد (قوانین و ضوابط) و برنامه‌های واقع‌گرایانه ممکن می‌گردد. قطعاً اثر بخشی، تابع تناسب و کفایت این قواعد و تبعیت بخش انسانی (مسئولین، آبربران و سایرین) از آن‌ها است؛ که نیازمند توجه به منافع عموم گروداران (به‌ویژه با مشارکت دادن کنشگران کلیدی) در فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری می‌باشد. همچنین مدیریت آب برای هدایت برنامه‌های خود در دستیابی به اصلاح و یا تعدیل سیستم، نیازمند یک نظام پایش و ارزیابی است (هم در بُعد عملیاتی و هم در بُعد راهبردی)؛ تا به کمک آن بتواند مستمراً پیشرفت اقدامات (بُعد عملیاتی) و نیز مثمر بودن را (بُعد راهبردی) را سنجش کند. به نظر می‌آید، امروزه در ایران باید بر مفاهیم و اهمیت پایش و ارزیابی و بیش از آن بر نقش